

# مردم

ارگانی مرکزی حزب توده ایران

## پیرامون قرارداد شاه - کیسینجر

روز ۱۶ مرداد ماه جاری (۷ اوت ۱۹۷۶) به تقیم شاه میان هنری کیسینجر وزیر خارجه بعهده امریکا و هوشنگ انصاری وزیر امور و دارائی ایران پروتکلی در تهران مبادله شد آن جمع کل معاملات بازرگانی ایران و امریکا ل آینده بدون احتساب خرید های اسلحه ل بیارده دلار بالغ میشود. روز ۱۷ مرداد (۸ فین اعلام داشتند که میزان خریدهای اسلحه بنا بر توافقی که انجام یافته بالغ بر ۱۰ ل خواهد بود. بدینسان جمع کل معاملات تحت باید طی ۵ سال آینده به ۵۰ میلیارد دلار و لی بنا بر اخباری که در مطبوعات خارجی نه مبالغی که قرار است در برابر ۳۰۰ افروند جنگی از نوع اف ۱۶، ۴ نو شکن از نوع س و تعدادی هوایی می بوئینگ مسروف به ی ایران به پرداخته شود بالغ بر ۱۳ میلیارد لرد و مطبوعات ایران نیز خبر میدهند که سلحه ممکن است تا ۱۵ میلیارد دلار بالارود. ننانکه مجله اکونومیست لندن در شماره ۱۴ ل میهد قرار شده است نفتی که در ازاه لخر مورد سفارش تحویل میشود از جانب سه متعلقه امریکا: اشلاند، نیکو و کراون اول شود و بشر کتهای اسلحه فروش تحویل گردد. چله مزبور بدرستی اظهار نظر میکنند که این ی آن ایجاد شده است که جاری اتهامات دائی پایتکه ایران قیمت نفت خود را پائین تر تعیین شده مقروضد بگیرد. در واقع با این شاه علیرغم تمام ادعاهای خود مبنی بر لزوم قیمت نفت در برابر ترقی قیمت کالا های ی بزرگ صنعتی غرب، یکبار دیگر بسود یالیسم امریکا هم قیمت نفت را تنزل داده وهم ت قیمت های گراف انحصارهای اسلحه فروش ده است. یا بقول معروف هم چوب را میل د و هم پیاز را.

رار داد شاه - کیسینجر نه تنها از جهت مبلغ مورد توافق کسه در معاملات ایران با یک ارجی بی سابقه است بلکه بویژه از لحاظ زیات آوری که در عرصه های اقتصادی و کشورما و در اوضاع منطقه خاورمیانه واقیانس خواهد آورد، شایان توجه جدی است. ک نگاه به تقسیم اطلاق کلی این قرارداد کامل یکجانبه آنرا بسود امپریالیسم امریکا و قع اقتصادی کشورما نشان میدهد. در واقع ماملات مورد توافق را که هم در اظهارات شاه بیانات کیسینجر تأیید شده و مطبوعات ایران نقل نموده اند، مورد بررسی قرار دهیم میبینم از لحاظ اقتصادی صرف و قطع نظر از پی سیاسی آن، نتیجه اجراء همه موافقت های رت از افزایش بیسابقه صادرات امریکا بایران ن قسمتی از کسر موازنه بازرگانی و مالی صاد امریکاست.

زار بر این شده است که تا سال ۱۹۸۰ دغیر نظامی، امریکا به ایران ۱۵ میلیارد ی پیش بینی شده به ۴۴ میلیارد دلار تری امریکا به ایران است ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار جنگ افزار، بقروش و تا میزان ۲ میلیارد دلار ک نفی، بایران نماید یا بدیگر سخن از ۵۰ لار جمع مبادلات مورد توافق ۱۶ میلیارد دلار امریکا تشکیل دهد و جای ۱۴ میلیارد دلار را صدور نفت خام ایران پر کند و احتمالاً ۲ ی میلیارد دلار محصولات غیر نفتی ایران ا صادر شود.

مر کس مختصر اطلاعاتی از نیازمندیهای امریکا و تأثیر مهم واردات نفت خام در موازنه منفی امریکا طی سالهای اخیر داشته باشد بخوبی کند که در این قرار داد صدور نفت در برابر الا های امریکائی، نه تنها رقم مهمی از کسر زرگانی امریکا را جبران میکند بلکه با فروش

حزب توده ایران، در تحلیل خود از اوضاع کنونی کشور، چنانکه مطبوعات و رادیو حزب ما بارها بیان داشته اند، باین نتیجه رسید که رژیم استبدادی موجود در مین ما و ترور و اختناق ناشی از آن، سد اساسی در مقابل تکامل سالم و مترقی جامعه ایران است. بر روی وضع کشور در عرصه های مختلف نشان میدهد که این رژیم، علیرغم عوامفریبی ها و مانور ها، علی رغم دعاوی پر سرو صدا و پر لاف و گزافش، بعلت ماهیت

## جبهه ضد دیکتاتوری - چرا و چگونه؟

ضد خلقی خود در جامعه ایران منفرد شده و میشود و نیرو های دیمدم تازه تری، در عین وجود خطرات سنگین، به میدان مبارزه علیه آن، پای میگذازند. حزب ما بدرستی برآنست که مبارزه پراکنده این نیرو های جدا جدا، قادر نیست رژیم را که بدستگاه دوزخی ساواک و انواع وسایل دیگر تضییق و فشار مجهز است، سرنگون کند و بزرگترین نقصی که مذتهاست در اپوزیسیون علیه رژیم دیده میشود، همین تفرقه نیرو ها، همین فقدان وحدت عمل، همین فقدان برابری و شیوه مشترک یکبار علیه دشمن مشترک است. حزب ما بر آنست که تشکیل یک جبهه وسیع علیه دیکتاتوری که در آن کلیه سازمانها و نیرو ها، مطبوعات و وسایل تبلیغاتی، رجال و عناصر گوناگون، بهصمل مشترک دست زنند و وظیفه مبرم روز است.

در اطراف این وظیفه رهبری و مطبوعات و رادیو طی اسناد و مقالات و گفتارهای متعدد توضیحاتی داده اند. روشن است که این توضیحات هنوز باید بکرات واز جمع جهات داده شود تا همه رتقای حزبی، همه هواداران حزب، همه افراد صدیق و با حسن نیت نیرو های دیگر، محتوی این شعار و ضرورت صحت آنرا عمیقاً درک کنند. یعنی خود بدان قانع گردند تا بتوانند در آن راه به این ضرورت و صحت قانع سازند تا بدین ترتیب وجدانها تجهیز شود و زمینه روحی لازم فراهم آید.

روشن است که منظور از «جبهه ضد دیکتاتوری»، وحدت سازمانی یا وحدت مرامی نیرو ها و عناصر ضد رژیم نیست. اگر چنین دعوتی از جانب ما میشدند نادانی میبود. علیه رژیم موجود نیرو هائی، متعلق به مختلف ترین طبقات و گاه طبقات متضاد (از سرمایه داری بزرگ گرفته تا پرولتاریا) با انگیزه های خاص خود، با طرز تشکر خاص خود، با راه حل های خود، با شیوه های مبارزه خود، با عرصه های ویژه مبارزه خویش وارد عمل شده اند و میشوند و حزب ما نه این نیرو های رنگارنگ را بوحثت سازمانی، مرامی یا خود فرا میخواند و نه خود قصد آن دارد که استقلال مرامی یا سازمانی خود را از دست بدهد. چنین مطلبی ابدأ مطرح نیست!

آنچه که مطرح است تنها وحدت عمل این نیرو ها، برای یک هدف واحد، برای یک دوران، همین با حفظ استقلال و شخصیت و نظرات خود و حتی با حفظ حق انتقاد خویش به نیرو های دیگر اپوزیسیون است. تنها اقتضات مبتنی بر وحدت عمل، انتقاد خصمانه نیست بلکه پولمیک مشخص و ثمر بخش نو نیروی مصد است که مایلند جبهه مشترک خود را در نبرد مشترک و بسود نیرو های مشترک تقویت کنند. خود این نیرو هائی که وارد وحدت عمل شده اند بعداً برنامه مشترک کار خود را بر اساس توافق معین خواهند کرد. حزب ما اکنون تنها یک چیز میگوید: باید علیه استبداد با هم وارد وحدت عمل شد!

بنظر ما همه نیرو های اپوزیسیون، بجای صرف وقت در تضعیف و از میان بردن اوتوریت یکدیگر، امری که خواه بغواهییم یا نخواهیم بطور عینی بسود دشمن مشترک تمام میشود، ضرور است تمام نیروی خود را صرف مفرد کردن هر چه بیشتر رژیم استبدادی کنند. باید در اثر مساعی نیرو های اپوزیسیون نه فقط خلق، بلکه حتی طبقات و قشرهای بالائی جامعه که به نحوی از سیاست رژیم زیان می بینند بیش از پیش در پیابند که غارتگری و ماجراجویی این رژیم منافع کوتاه مدت و منافع دراز مدت آنها را نیز بخطر میاندازد و این رژیم، بدترین رژیمی است که ایران میتواند داشته باشد، زیرا علی رغم دعوتی فوق العاده پر سر و صدای خود، در سیاست خارجی، داخلی و اقتصادی مواضع بسیار نادرستی منافی منافع حیاتی میهن ما اشتغال کرده است و تنها اقراض قدرت طلبانه، سود ورزانه و آزمودنانه خاندان پهلوی را محور تشخیص و تصمیم گیری خود قرار داده است.

بجاست که مضرت عظیم تفرقه و پراکندگی نیرو های ضد رژیم، که طی تاریخ معاصر کشور ما از علل عمده ناکامی بسیاری از جنبشها بوده است، برای همه ما روشن شود. نمونه های مشخص متعددی نشان میدهد که هر گاه، نیرو های خواستار یک هدف مترقی و مشترک، با هم عمل کرده اند، اگر بجهه آن هدف هم دست نیافته باشند، لا اقل گامی بجای بر داشته اند. بیاد هم نموده های مشخص و متعدد تاریخی نشان میدهد که هر گاه این نیرو ها بدون هم و بطریق اولی علیه هم و بشکل جدا جدا و تفرقه عمل

کرده اند، نه فقط حتی نیم گامی بسوی هدف نرفته اند، بلکه دچار شکستهای فاحش و نکتبهای سنگین نیز شده اند. لذا امپریالیسم و استبداد دائماً از شعار تفرقه بیانداز و حکومت کن! با موفقیت سودجسته و امروز هم ساواک، سیا، انتلیجنس سرویس، دویچه ناخریشتن دینست، سازمان امنیت فرانسه و دیگر سازمانهای سرمایه داری که هماهنگ عمل میکنند، با همراهی مائوئیست ها، با تمام قوا میکوشند زهر ضد توده ای و ضد شوروی را بپراکنند، نیرو های اپوزیسیون را از حزب توده ایران، این متحد واقعی و طبیعی خود دور نگاه دارند. با اسف تمام و قلبی دردناک باید اعتراف کرد که سالیان دراز است که در لیت تلاش دوزخی خود گامروا بوده اند، تا جایی که بخشی از مطبوعات اپوزیسیون، بجای مبارزه با دشمنان اصلی، یک تیروی مهم دیگر اپوزیسیون، یعنی حزب توده ایران را که ۳۵ سال است باصداقت و سرسختی در سبک نبرد علیه رژیم استبدادی شاهد یکمک غیر عمده کردن عمده و عمده کردن غیر عمده یکمک انواع سفسطه ها، یکمک انواع دلیل تراشی ها و بهانه جوئیها، «میکوبند».

مردم ایران، کارگران، دهقانان، پیشهوران، بورژوازی ضد امپریالیستی، از دیدن این منظره ابدأ خوشحال و خرسند نیستند. برای آنها، روزیکه وحدت عمل کلیه نیرو های مختلف ضد رژیم اعلام گردد، و این تیروها بیاری خلق در نبرد مقدس او بشتابند، روز جشن واقعی است. مردم ایران، که تیروی اساسی و اصلی مبارزه اند، با دلی خوین و ناخشنود شاهد آنند که رژیم و دستگاه جهمی ساواک، گاه از راه رخنه مخفی و اعزام عمال خود، گاه از راه ضرورت آشکار و شکنجه و اعدام و سر به نیست کردن علنی، بهترین انرژیهای انقلابی جامعه را هر چند یکبار، بشکل منظم محو میکنند. برای مردم ایران قابل درک نیست که این وضع تفرقه نیرو های ضد رژیم نتیجه چه «تدبیر خردمندانه» است و این چه طرز مبارزه کردن است؟ چگونه میتوان مبارزه را شوخی نگرفت ولی در جستجوی بسط صفوف متحدان برای مبارزه نبرد؟

حزب توده ایران، نه فقط امروز، بلکه طی سراسر حیات خود، برای تحقق وحدت نیرو ها مبارزه کرده است. روشن است که حزب ما در گذشته در اثر کمی تجربه سیاسی در مواردی از این زمینه نتوانسته است سیاست صحیح و پیگیری را دنبال کند و این خود حزب بود که همیشه داور جدی و صریح و صدیق روش خود بوده است، کاری که تیروهای دیگر درباره خودبایستی بکنند و نکردند. اقدام کنونی ما ثمر بفره گیری از تاریخ کشور ما و دیگر کشورها، ثمره بررسی روش خود ما و روش دیگران، ثمره روشن بینی ما از حوادث است، لذا نتیجه طرز تفکر صادقانه است. ما برای گفتگری دوستانه با خواستاران چنین مذاکره ای اعم از نیرو ها و افرادی که در کشورند یا در خارج از کشور با رژیم مبارزه میکنند، آماده ایم یعنی ما آماده اینیم که با این نیرو ها و افراد از اتحاد تا ایجاد برنامه عمل مشترک در مبارزه ضد دیکتاتوری به توافق برسیم.

با آنکه گفتنی ها را گفته ایم، ولی یکبار دیگر تصریح این نکته را لازم میسریم که حزب ما این نکات را برای «رفع مسئولیت» و آرامش وجدان، به قصد تحمیل کردن، و امثال آن نمیگوید، بلکه ثمره تحلیل جدی او، درک او از مصالح جنبش و سخن صدیقانه و قلبی است. ما آمیدواریم که وضع هر انگیز کنونی میهن ما، درسهایی تلخ زندگی، انهمه رانیها که داده شده، دیگر بجهه ما این نکته ابتدائی و بدیهی «سودمندی وحدت عمل» را آموخته باشد. در این زمینه ما دچار پشدار واهی نیستیم. ما میدانیم که در کنار عناصر با حسن نیت و صدیق نسبت بامر وحدت عمل، افرادی نیز هستند که در عین صداقت در مبارزه، دچار برخی پیشداوریهای نادرست علیه حزب ما هستند. ما برای هرگونه مباحثه کنکرت و سازنده ای با این افراد که در مبارزه صدیقند، علیرغم پیشداوریهای گاه خشن آنها، آماده ایم. در کنار آنها باز عناصر دیگری هستند که اصولاً سیاست آنها سفاکانه تفرقه، سیاست دشمنی بیگیر با حزب توده ایران است و این سیاست را بدلیل مختلف به محور اصلی عمل خود

پیرامون قرارداد شاه - کیسینجر

آن واقع شده اند و نیچی از مجموع نفت مورد نیاز کنونی جهان سرمایه داری از آن آبراه میگردد . چه مقام همی در مجموع نقشه های سیاسی - نظامی امپریالیسم احرار میبکند .

داری بویژه مطبوعات امریکائی بیش از پیش از اهمیت سیاسی خلیج فارس در اوضاع بین المللی سخن میگورند و نقش تنگه هرمز را در سیاست بین المللی همانند نقش میشارند که در گذشته جبل طارق و تنگه پاناما ایفا مینموده اند .

بدیهی است چنانچه مردم این منطقه نفتخیز بر منابع غنی خویش حاکمیت یابند جهان سرمایه داری بویژه امریکا ، که مهمترین منابع نفت این منطقه تحت استیلاي انحصار های آن قرار دارند ، نه تنها از میلیارد ها دلار غارتگری سالانه خود محروم میشود بلکه این امر خود یکی از موجبات تشدید بحران مجموع سیستم سرمایه داری میگردد .

با توجه به چنین دورنمای نگرانی آوری است که امپریالیسم امریکا ، بویژه از چندی باینطرف دست به کوشش های تب آلودی زده است تا با سرکوب جنبش رهایی بخش خلیج فارس میانه و نزدیک گرایش های استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی منطقه را لااقل برای مدتی طولانی خاموش سازد و تحولات مثبتی را که در برخی از کشورهای این منطقه در جهت باز یافتن استقلال اقتصادی و سیاسی و پیشرفت اجتماعی بوجود آمده است از میان بردارد .

از مصر و سودان گرفته تا لبنان ، سوریه و عمان این کوشش مشهود است . توطئه امپریالیستی ایجاد جنگ داخلی در لبنان بمنظور سرکوب جنبش آزادی بخش خلق فلسطین یکی از نمونه های بارز همین سیاست است . بدیهی است تغییر تناسب نیرو ها بسود نیرو های صلح و سوسیالیسم ، شکست های نظامی سیاسی امپریالیسم در ویت نام ، لائوس ، کامبوج و آنگولا ، پایان یافتن دوران جنگ سرد و پیشرفت سیاست تنش زدائی و همزیستی مسالمت آمیز در مقیاس بین المللی ، از امکانات امپریالیسم در مداخلات مستقیم نظامی بسی کاسته است . بهین سبب مسئله تشکیک مرکز نظامی - سیاسی منطقه ای بوسیله تسلیح و تقویت رژیم های ارتجاعی در نقاط مختلفه جهان و از جمله در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند ، یاد دیگری سخن ایجاد مباشرتین ظاهر مستقلی که ژاندارم وار مجری سیاست امپریالیسم امریکا در هر یک از مناطق مورد نظر باشند ، بیش از پیش بصورت یکی از پایه های مهم استراتژی تجاوزگرانه و غارتگرانه امپریالیسم امریکا در آمده است .

در چارچوب اجراء این نقشه است که رژیمهای مرتجع و دست نشانده عربستان سعودی و ایران بدنبال حکومت تجاوز کار اسرائیل ، بصورت مراکز عمده اجراء این سیاست امپریالیستی در منطقه خاور میانه و خلیج فارس درمیآیند و تادندان مسلح میشوند . در حالیکه اسرائیل بمشابه نیروی ضربتی امپریالیسم ، همچنان زمینهای اعراب را تحت اشغال دارد و به تجاوزگری و آشوب گری در منطقه خاور نزدیک و میانه ادامه میدهد و عربستان سعودی متصور ترین ، بزرگترین و مرتجعترین کشور عربی ، رفته رفته نقش عامل اصلی اجراء سیاست امریکا را در قیام نقش ایفا میکند ، رژیم شاه بنوبه خود پاسپانی منطقه خلیج فارس ، دریای عمان و جنوب غربی اقیانوس هند را بعهده میگيرد .

پاسخ هائی که کیسینجر و شاه بلا فاصله پس از امضاء قرارداد به پرسش خبرنگاران خارجی داده اند بقدر کافی در باره ماهیت این هدفها گویا هستند . هنگامیکه خبرنگاران امریکائی از کیسینجر پرسیدند علت فروش این مقدار هنگفت اسلحه به ایران چیست وی در جواب گفت : « ایران با اتحاد شوروی هم مرز است و در منطقه ای با بهره خطرناک و در میان همسایگانی قرار گرفته است که میبائی بیشتر از ایران صرف خرید تسلیحات کرده اند و احتمالاً در آینده نیز چنین خواهند کرد . شورویها از عراق حمایت میکنند . امریکا برای جبران نفوذ شوروی در خاور میانه و خلیج فارس باید ایران را دوست خود و نفوذ آنرا با برجا نگهدارد . کوشش ایران در دفاع از خود ، نقش ایران در ایجاد ثبات در خاور میانه و جنوب آسیا بسود امریکا است و با منافع امریکا قویاً پیوستگی دارد . » شاه نیز در پاسخ همین سؤال در کنفرانس مطبوعاتی نوشهر سیاست امریکا را در زمینه فروش جنگ افزار تأیید میکند و برای توجیه عمل خیانت آمیز خود میگورند : « آیا امریکا یا جهان غیر کمونیست

میتواند ایران را از دست بدهد ؟ اگر روزی ایران در معرض خطر قرار گیرد شما چه کار خواهید کرد ؟ آیا راه دیگری را می شناسید ؟ ضرورت خرید تسلیحات برای مقابله با کانونهای احتمالی خطر است ... آیا توجیه دارید برخی از کشور های هم مرز ایران که کمتر از یک سوم ما جمعیت دارند ( اشاره آشکار به عراق ) باندازه ما تانک و هواپیما دارند . آنچه که ما داریم سه بار کمتر از آنست که باید داشته باشیم . » هنگامیکه از او میپرسند : خطر را از چه ناحیه ای احساس میکنید ، آخرین بار که اینجا بودیم اتحاد جماهیر شوروی را یاد کردید . آیا منابع خطر دیگری در ۱۸ ماه گذشته بروز کرده است ؟ وی با گفتن اینکه « نمیتوانم نام کشوری را مشخص سازم ، تلوياً گفته ی سابق خود را تأیید میکند .

مطلب روشن گفته شده است . وزیر خارجه ایالات متحده و شاه صریحاً هدفهای سیاسی و استراتژیک معاملات اسلحه را اعتراف می کنند و برای توجیه آن بطور خلاصه به استدلالات فوق متوسل میگردد . چنانکه پوشش های لزوماً دیپلماتیک این اظهارات را کنار بگذاریم لب مطلب چنین خواهد بود : امپریالیسم امریکا در چارچوب نقشه های غارتگرانه خود در منطقه ی خاور میانه ، خلیج فارس و جنوب آسیا برای ایران نخست این اهمیت را قائل است که بعنوان یکی از عوامل اجرا کننده این استراتژی ، و تا حد ممکن بدون مداخله مستقیم امریکا ، در سرکوب جنبشهای استقلال طلبانه و دمکراتیک مردم این منطقه نقش مؤثری ایفا کند یعنی به آن « ثباتی » که مورد نظر امپریالیسم امریکا و دیگر همستان غارتگر اوست کمک نماید . و در ثانی بمشابه کشوری که هم مرز اتحاد شوروی است در انجام نقشه های تجاوز گرانه امپریالیسم امریکا و ایران او در این مناطق علیه کشور های سوسیالیستی ، علیه صلح و آرامش و امنیت بین المللی ، نقش عامل کمکی مقدم ایفا نماید .

شاه در کنفرانس مطبوعاتی پیش گفته به ایفاء چنین نقشی در خدمت امپریالیسم امریکا صریحاً اعتراف نموده و میگورند : « وجود یک ایران قوی به هدفهای امریکا خدمت میکند . وجود حکومت ثرور و اختناق شاه ، توأم با سیاست وابسته ساختن و پیوند دادن هر چه بیشتر اقتصاد کشور ما به اقتصاد امریکا بهترین تضمین رژیم برای اجرای این وظایف بشمار میرود .

بیهوده نیست که در پروتکل موافقت نامه اخیر از « همکاری نزدیک و فزاینده ی دو کشور در زمینه های انرژی ، کشاورزی ، مسکن ، بهداشت ، سرمایه گذاری و علم و صنعت » سخن میرود و نیز مسئله فروش ۶ تا ۸ راکتور اتمی به ایران در دستور کار جاری کمیسیون همکاری ایران و امریکا قرار میگيرد . در عین حال باید گفت که شاه پشتیبان و همکار قدیمی خود و خاندانش ، امپریالیسم انگلستان را از یاد نبرده است . اگر چه با قرار داد اخیر سهم شیر ضرورتاً نصیب امپریالیسم ارشد شده است ولی شیر نیزرا نیز از این نمد گلاهی باید . بطوریکه مطبوعات خارجی خبر میدهند هم اکنون انحصار بزرگ نفتی شل و شرکت نیروی هوائی انگلستان ( B A C ) در استانه امضاء قراردادی با ایران بمیزان ۳۰۰ میلیون لیره استرلینگ هستند . طبق این قرار داد انگلستان را کتفهای ضد هوائی از نوع « رابیز » به ایران تحویل میدهد و معادل قیمت آن بصورت پایا پای نفت میستاند . انحصار بزرگ نفتی شل برای انجام این معامله حاضر شده است که نفت تسلیم شده بوسیله ایران را به قیمت بازار از دولت انگلستان خریداری نماید .

بدینسان دیده میشود که دولتهای امپریالیستی امریکا و انگلستان در عین اینکه برای انجام نقشه های غارتگرانه و تجاوز گرانه خود نه تنها قسمت بزرگی از ثروت ملی و دسترنج تفکرگران کشور ما را بوسیله معاملات بی حاصل اسلحه و مهمات به جیب انحصار هلی اسلحه فروش خود میریزند ( بنا به ارقامی که انتشار یافته سود ویژه ی انحصار های اسلحه فروش امریکائی تنها در سال ۱۹۷۴ بالغ بر ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است ) ، بلکه با تمرکز مقادیر کثیری اسلحه و مهمات میهن ما را بدست خیانتکار شاه بیک پایگاه تعرض و تجاوز علیه همسایگان و بیکی از عوامل بر هم زنده صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند میدل میسازند . در واقع صرف نظر از اینکه انبار گشتن سلاح

و جنگ افزار آنهم با چنین عرض و طول بخودی خود انگیزنده یک مسابقه تسلیحاتی بزبان صلح و آرامش در سراسر منطقه است ، اظهارات کیسینجر و شاه پس از عقد قرار داد برای توجیه ضرورت مسلح ساختن ایران ، بویژه اشاراتی که نسبت به همسایه غربی ایران عراق کرده اند ، نفس نگرانی آور است . تردیدی نیست که دولتهای امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم امریکا و انگلستان از وضع سیاسی عراق و تحولات اجتماعی آن ، بویژه از این امر که دولت عراق حاکمیت مطلق خود را بر منابع نفتی خویش استوار ساخته است و با استفاده از کمک های برادرانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به پی ریزی پایه های مادی و فنی استقلال اقتصادی کشور و ترقی و پیشرفت آن اشغال دارد ، سخت نا خرسندند و لذا توطئه برای بر هم زدن وضع این کشور ، که خود از تولید کنندگان مهم نفت و یکی از ساحل نشینان معتبر خلیج فارس است ، نمیتواند در استراتژی سیاسی - نظامی امپریالیسم امریکا و انگلستان جای ویژه ای نداشته باشد .

اگر چه پس از توافقی که در الجزیره میان ایران و عراق بعمل آمد و منجر به پایان یافتن جنگ داخلی عراق و قرار داد های مرزی میان دو کشور شد ، مناسبات میان دو کشور از وضع وخامت بار گذشته بیرون آمده است ، ولی بی این وجود بر خورد سرد رژیم شاه نسبت به دولت کنونی عراق و لحن غیر دوستانه ای که گاه در مورد همسایه غربی ایران بکار میرود ، اشارات اخیر شاه و کیسینجر به عراق در مورد میزان تسلیحات آن کشور و مقایسه با ایران و نیز انتشار برخی اخبار دائر بر اینکه گروهی از کرد های مهاجر عراقی باشاره و کمک دولت ایران برای سازمان دادن جنگهای چریکی وارد خاک عراق شده اند ، مجموعاً نمیتواند نگرانی آور نباشد .

از سوی دیگر ، اصرار شاه در ادامه نگهداری بخشی از واحد های مسلح ایران در طول مرز های جمهوری دمکراتیک توده ای یمن به بهانه ی تقاضای سلطان عمان دائر به کمک در قلع میهن پرستان ظفار و تأکید کیسینجر به نقشی که بظردولت امریکا باید ایران در حفظ ثبات جنوب آسیا و ایفاء نماید ، خطر مداخلات نظامی دیگر را از جانب نیروهای مسلح ایران در این ناحیه بوجود می آورد . در واقع صرف نظر از آنکه وجود یک جمهوری مترقی ضد امپریالیستی در جنوب غربی آسیا و در مجاورت افریقای خلوری بمذاق امپریالیسم خوشایند نیست اصولاً تسلط بریمن جنوبی و کنترل بندرگاه عدن یکی از هدفهای استراتژیک امپریالیسم امریکا بمنظور استیلا بر دریای عمان و اقیانوس هند بشمار میرود .

بدینسان کشور ما بصورت یکی از پایگاههای جنگ و تجاوز امپریالیستی در می آید . خلیج فارس که از لحاظ اهمیت اقتصادی خود میتواند بمشابه یکی از آبراههای بازرگانی بین المللی ، و وسیله نیرومندی برای پیشرفت اقتصادی و ترقی کشورهای ساحلی آن ، بویژه ایران که بزرگترین ساحل نشین آن بشمار میرود ، گردد و بدوستی میان خلفا ، به صلح و آرامش سراسر منطقه ولذا به امنیت بین المللی کمک مؤثری نماید ، با همدستی خیانت آمیز شاه به شبکه پایگاههای جنگی امریکا در اقیانوس هند میپیوندد و بیکی از میدانهای تاخت و تاز امپریالیسم علیه آزادی و استقلال خلفای منطقه ، علیه صلح و آرامش بین المللی میدل می گردد .

آنگون برای همگان روشن میگردد که غرض اصلی تبلیغات پر سرو صدائی که شاه طی سالهای اخیر براه انداخته و ادعا میکند که گویا میخواهد خلیج فارس را از مداخله بیگانگان بر کنار نگاهدارد ، بزه موار ساختن زمینه برای نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم امریکا در این دریا و میدل ساختن آن به قرقگاه غارتگری و تجاوز امپریالیستی چیز دیگری نیست . این همان تکتک ای است که بار ها حزب توده ایران در مطبوعات و رادیوی خود متذکر شده و مبارزه علیه آنرا از وظایف مردم همنی میهن پرستان ایران شمرده است . این همان واقعه ای است که مجله امریکائی نیوز ویک در شماره ۲۳ اوت بدینسان بیان نموده است : « امریکا و ایران ، بنا به مصالح مشترک برای خوب و بد با هم ازدواج کرده اند و تقریباً برای هم در میان نیست . » بدیهی است که تسلیحات عنان گسته ی شاه

جبهه ضد دیکتاتوری - چرا و چگونه بدل کرده اند . پیدایش زبان مشترک بین عد نهضت روزی این افراد را با به ترک روش و روش کنونی خود وادار خواهد کرد ، یا سر انجا بگذرید مفرد خواهد نمود ، ولی آنچه که ما با وحدت عمل همه نیروهای ضد رژیم است و آن که در اینجا احادی با این خواست منطقی بمقابله برنخیزد .

امر مقدس ایجاد یک جبهه ضد در روندی طولانی است . ما اکنون در مرحله آ این کار هستیم و بر آنیم که با تعقیب سرسره هدف میتوان از وراء پرده دود افترا زلفت اندازان ، این خادمان دانسته یا ندانسته دشمن راهی بسوی مقصود گشود . شرایط عمومی جا ایران دمدم برای تحقق چنین وحدت عملی ، خواهد شد ، ولی این وضع بدبخت را تنها با همه جانبه میتواند به یک امر بدبخت ، میدل انتظار معجزه خود بخودی نباید نشست .

ما از همه رفتاری حزبی ، از همه دوستها از همه مبارزات صدیق ضد رژیم ، از هما که از عقل سلیم در مبارزه و سیاست برخوردارند میخواهیم که با تمام نیرو و با همه احساس و منطق خود در این راه بکوشند . ا وظیفه ما نیست . این وظیفه هر ایرانی میهن است که کشور را از دوزخ سوزان کنونی نجات و به ندای وحدت عمل رزمندگان ضد رژیم مساعد گوید .

و میدل گشتن ایران به یکی از پایگاههای تجاوز امپریالیستی نمیتواند در کشور های ایران واز جمله در عراق ، یمن ، افغانستان و هند نگرانی و واکنش ایجاد نکند . شاه میتواند دیگر دست روی قلب بگذارد و سوگند های را تکرار کند که وی قصد تجاوز به هیچ نندارد و منظورش گویا فقط دفاع از کشور و مضطرات احتمالی است ، ولی همه کس مید ایران از جانب هیچیک از همسایگان خود مورد نیست و این درست رژیم شاه است که بمشابه امپریالیسم و عامل آشوب آفرین و بر هم زنده منطقه امنیت همسایگان خود را مورد تهدید میدهد و ناگزیر از اینراه مضطراتی برای میهن مردم آزاده و صلح جوی آن بوجود می آورد .

قرار داد شاه - کیسینجر بزرگترین سند شاه بمصلح و منافع واقعی مردم ایران است و میتوان گفت که چه از لحاظ محتوی و چه از عصری که در آن امضاء شده است یعنی زمان سیاست صلح و همزیستی و امنیت جمعی رفته ر سیاست جنگ و تجاوز غلبه میکند ، بهر آن نت و خیانت آمیزتر از قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله امضاء این قراردادند کین خود سرانه یکباردیگر میهن تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری بمنظور سرنگون رژیم استبدادی محمد رضا شاه را آشکار میسازد . ایران همچنانکه قرار داد وثوق الدوله را با مردانه خود از هم دریدند این بار نیز میتواند قر خیانت بار شاه - کیسینجر را با اتحاد میهن پر خویش بزوباله دان تاریخ بفرستند .

Werte Genossen - 171107  
ir bedanken uns für Eure zweite  
ende von 5000 DM und 5000 M.  
دوست گرامی  
شماره ۱۳۳۷  
مبلغ ۱۵۰۰ مارک غربی کمک شما رسید . صد  
سپاسگزاریم .  
با این آدرس با رادیو بیک ایران ، با رو  
مردم ، مجله دنیا ، مجله مسائل بین المللی م  
کنید !  
B. 49034  
1028 Stockholm 49 Sweden  
نامه دو هفتگی « مردم  
ماهنامه « دنیا » ارگان حزب توده ایر  
را بخوانید و خواندن آنرا بدوس  
خود توصیه کنید !